

گفت وگو با دکتر سعید معیدفر، رئیس انجمن جامعه شناسی ایران آیا ISI کارآمد است؟

حامد یوسفی



• فکر می‌کنم اگر سرمایه‌گذاری هم کنیم راه به جایی نمی‌بریم. چون در حوزه فنی می‌شود یک مقاله را به هر زبانی ترجمه کرد و یا به هر زبانی مقاله نوشت. چون مقاله‌های فنی عبارت از یک سری اصطلاحات تخصصی آن رشته است (که دانشجویان در همان ترم یک و دو اصطلاح‌های انگلیسی تخصصی را یاد می‌گیرند) به علاوه یک سری فعل‌های ساده انگلیسی و حرف‌های ربط. پیچیدگی زبانی آنجا وجود ندارد. در حالی که در علوم انسانی همه چیز پیچیدگی زبانی است و به همین خاطر ترجمه مقاله که در علوم پایه ساده‌ترین موضوع است در علوم انسانی فرآیند بسیار پیچیده‌ای است. در دانشگاه‌های خودمان می‌بینیم که فلان کتاب انتشارات MIT در حوزه برق یا عمران افسست می‌شود و در اختیار دانشجویان قرار می‌گیرد و همه راحت می‌خوانند در حالی که همین انتشارات MIT کتابی از نوام چامسکی را چاپ کرده که همان استاد برق و عمران نمی‌تواند از روی آن بخواند چه برسد به اینکه بفهمد معنی‌اش چیست. دانشجویان رشته علوم انسانی هم در همان سال‌های اول ترم‌های تخصصی‌شان را یاد می‌گیرند ولی در علوم انسانی این طور نیست که این واژه‌ها با یک سری فعل ساده به هم مرتبط باشند. حتی بزرگترین فیلسوفان و جامعه‌شناسان دنیا هم نمی‌توانند به دو زبان بنویسند. خیلی کم هستند افرادی که به دو زبان فی‌البداهه بنویسند. ولی مسئله اینجاست که مثلاً زبان چک و اسلواکی در ISI ثبت می‌شود ولی زبان فارسی ثبت نمی‌شود و به نظر من برنامه‌ریزانی که گفته‌اند بروید در ISI مقاله بنویسید و مجبورید که مقاله بنویسید دارند سرنا را از سرگشادش می‌زنند. یعنی به جای اینکه نشریات فارسی را در «موسسه اطلاعات علمی» ثبت کنند و زبان فارسی را در آنجا به رسمیت بشناسانند، زبان انگلیسی را به یک شکل خیلی صوری و ساختگی به متخصصان علوم انسانی تحمیل می‌کنند. این مشکل که اشاره کردم مشکلی است که جامعه‌شناسان به آن اذعان دارند. شخصی مثل کانت می‌گوید در مسیر تکامل علوم ما اول از علوم نسبتاً ساده این تحول را می‌بینیم تا علوم پیچیده. جامعه‌شناسی را به عنوان علوم پیچیده مطرح می‌کنند که به خاطر پیچیدگی‌اش نمی‌تواند به سرعت تغییر پیدا کند به عبارت دیگر علوم فرهنگی علمی هستند که در واقع به سادگی تغییر نمی‌کنند و به خاطر پیچیدگی و تکثر و تنوع که در درون دارند مثل علوم دیگر قابل تغییر به سرعت نیستند.

بنابراین شخصی مثل پارسونز می‌گوید تحول و تغییرات وقتی در محیط جامعه شروع می‌شود آن وقفه مادی را زودتر تحت تاثیر قرار می‌دهد ولی آن بخش‌های معنوی یا فرهنگی را در آخرین مراحل تحت تاثیر قرار می‌دهد. بنابراین باید در نظر داشت که تغییرات در علوم مادی یا حتی مهندسی خیلی زودتر انجام می‌گیرد. چون پیچیدگی وسیع و آن چنانی ندارد ولی تحول در حوزه‌های علوم فرهنگی خیلی سخت است. مثل دوران اول زمین‌شناسی است و خیلی دیر انجام می‌گیرد. چرا وقتی فناوری وارد می‌شود این فناوری صرفاً نمی‌تواند تغییر ایجاد کند. چون تا می‌آید به سطوح و لایه‌های عمیق‌تر بکشد کار دشوار می‌شود. بنابراین زبانی که علوم دیگر به کار می‌برند زبانی ساده‌تر است که امکان انتقال آن سریع‌تر است و قطعاً وقتی این زبان وارد علوم فرهنگی و علوم انسانی می‌شود بسیار دشوارتر است. برای دانش آن باید مهارت‌های فوق‌العاده بیشتری را داشته باشیم. این طور نیست که دانشجوی رشته فنی - مهندسی با درجه هوش بالاتر می‌آید در صورتی که دانشجوی علوم انسانی به دلیل سیستم کنکور ما با این مشکلات می‌آید و خواه ناخواه وقتی می‌بیند متوجه می‌شود که به لحاظ ساختاری چه مشکلاتی را داریم به همین دلیل است که به آن دید نگاه کردن یک تصور بیهوده است و ناشی از عدم درک صحیحی است که مدیران کشور به دلیل اینکه تخصص‌شان در آن حوزه‌ها است، دارند و این در واقع ناپختگی آنها را نشان می‌دهد.

• وزارت علوم راهکاری پیدا کرده برای اینکه این عقب‌ماندگی علوم انسانی را با یک سیستم اجباری جلو بیندازد. اعلام کرده که برای ارتقای شغلی و همین طور برای استخدام اساتید جدید ضرورت دارد که مقاله‌ای در ISI ثبت نشده باشد. به نظر شما این راهکار تا چه حد جواب می‌دهد؟ آیا راهکار خوبی است و اگر نیست باید چه کرد؟

یکی از معیارهای پیشرفت علمی از طریق برخی از ارگان‌ها مثل اتحادیه اروپا و بانک جهانی چاپ مقاله در ISI بیان شده است. این به عنوان یک معیار علمی چند سالی است که در کشور ما به آن اهمیت داده می‌شود و اول بار معاونت پژوهشی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری مطرح کرد و اقدام بسیار موثری هم بود بعد از آن وضعیت ایران در سطح بین‌المللی وضعیت خوبی شده است و گزارش‌هایی هم که می‌دهند نشان می‌دهد که ایران در یک فاصله کوتاه توانسته یک جهش را در حوزه چاپ مقالات ISI داشته باشد. از این جهت این رفتار پسندیده‌ای بوده که انجام شده منتها چه معیارهایی در ارتباط با چاپ مقالات در ISI

وجود دارد؟ چاپ مقالات ISI دو ویژگی مهم باید داشته باشد: ۱- مجلات ISI سر موعده انتشار پیدا کنند. اگر فصل نامه است باید هر سه ماه یک بار سر وقت منتشر شود. ۲- بایستی چکیده انگلیسی داشته باشند برای اینکه مرجع شوند برای رفرنس هایی که دیگران از این مقالات دارند. اینکه چرا در برخی از رشته هایی بعد از اینکه این معیار گذاشته شده جهشی داشته ایم و در برخی از رشته ها این جهش را نداشتیم این قابل مطالعه است. علوم انسانی نتوانسته این کار را انجام بدهد.

*برای اینکه اصلاً نمی شود به زبان انگلیسی به آسانی مقاله نوشت. دو زبانه مقاله نوشتن خودش تخصصی است که اگر کسی بتواند بنویسد احتمالاً دیگر نمی آید در دانشگاه های ایران تدریس کند. چون آنقدر انگلیسی اش خوب است که عملاً فارسی یادش رفته است. اینجا مشکلی که به وجود می آید این است که اولاً در علوم دیگر این امکان وجود داشته چون تقریباً نوشتن مقاله به زبان انگلیسی کار ساده ای بوده است. یکی از اساتید در رشته پزشکی می گفت که من حدود صد مقاله دارم که جمع این مقالات به ۲۰۰ صفحه نمی رسد. هر مقاله به طور متوسط ۲ صفحه است. این چیزی است که ایشان بیان کرده حالا شما ببینید مقالات علوم انسانی را بیاورید. مفاهیم در علوم انسانی اصل هستند. مقالات علوم انسانی ۲۰-۳۰ صفحه با مفاهیم بسیار پیچیده است. یک استاد دانشگاه ما در رشته علوم انسانی حداقل ۴ مقاله می تواند به آن میزان صفحات که در علوم پزشکی منتشر کرده بیرون بدهد. نوشتن هم فنی می خواهد بنابراین اینکه در علوم دیگر می شود به زبان های دیگر مقالات را منتشر کرد ولی در علوم انسانی نمی شود این کار را انجام داد. ولی یک راه پیش رو گذاشتند حتماً لازم نیست که آن مجله به زبان انگلیسی باشد. می تواند به هر زبانی باشد شما می توانید به فارسی هم مجله ISI را داشته باشید.

به شرط اینکه در موعده مقرر منتشر شود و اینکه چکیده ای انگلیسی داشته باشد حالا این را بررسی می کنیم، ما سال ها است که می خواهیم مجله ISI فارسی در علوم انسانی داشته باشیم ولی موفق نشده ایم. چرا؟ به دلیل اینکه ما در ایران مشکلات جدی داریم. در حال حاضر اکثر مجلاتی که علمی - پژوهشی هستند اینها برای پرداخت حق داوری مقالات خودشان و برای مسائل اولیه چاپ خودشان با هزار مشکل روبه رو هستند. به خاطر فقدان پول و امکانات اینها نمی توانند مجلاتشان را سر وقت منتشر کنند. مثلاً من مجله جامعه شناسی را می گویم. گاهی ممکن است ۲-۳ ماه طول بکشد که این مجله بخواهد منتشر شود. هزار جور مشکلات داریم که نمی توانیم این را سر وقت منتشر کنیم بنابراین قدم اولی که برای احراز ویژگی ISI در رابطه با مجلات داخلی مدنظر است، این است که ما بتوانیم به مجلات علمی - پژوهشی داخل کشور خودمان در حوزه علوم انسانی کمک کنیم. یکی از اساتید که به ایران آمده بود از او پرسیده بودند که مقاله شما بسیار مقاله جالبی بوده ایشان نقل می کرد که این مقاله، مقاله من نیست. من یک مطلبی را به آن مجله دادم و آن مجله با داشتن یک ویراستار قوی در کنار من این مقاله را مقاله کرد. بنابراین ایشان می گفت هر مجله ای دارای یک مجموعه فنی - ویراستار و کسانی است که کمک می کنند برای اینکه سطح مقالات را ارتقا دهند. در صورتی که ما همین الان به مولف می گویم که تو خودت بیا کار را انجام بده، خودت به انگلیسی چکیده بیاور... گاهی محقق ما ایده را خوب شکار می کند ولی برای اینکه این ایده را تبدیل به یک ساختار مقاله علمی کند، نیاز به کمک و مشاوره دارد. در کدام یک از مجلات داخلی ما چنین مشاوره ای به او داده می شود؟ بنابراین مقاله می آید و بلافاصله رد می شود و مقالاتی چاپ می شود که فقط ساختار را رعایت کرده باشند. ما در اینجا مجله را آن طور که باید تعریف نکرده ایم. اگر وزارت علوم می خواهد باعث ارتقای مجلات علمی - پژوهشی در داخل کشور شود بیاورد مشکلات و مواضع همین مجلات را برطرف کند و مسائل مالی اینها را حل کند. ما دو سال است که حق داوری ها را پرداخت نکرده ایم. امکانات نداریم. آنها باید کمک هایی را در اختیار NGO بگذارند. این یک مشکل است.

مشکلات ساختاری مشکلات جدی ای است که ما را با آن روبه رو می کند. در بخش خارجی مشکل زبان است، اینکه این علوم با مفاهیم سروکار دارند و به دلیل ضعف مفهوم ما مشکل داریم.

این علوم، علوم انتقادی هستند بنابراین اگر مقالاتی منتشر شود و هر جایی چاپ کنند ممکن است مسائل و مشکلاتی را برای خود کشور ایجاد کند و بنابراین خیلی راحت نمی توانیم این مقالات را به بیرون منتشر کنیم. اکثر اندیشمندان ما می گویند در خارج مقالاتی از علوم انسانی چاپ می شود که وجه انتقادی آن غلبه داشته باشد.

هر مقاله ای را آنها چاپ نمی کنند. بنابراین آن فرد برای خودش که نمی خواهد در دسر درست کند. هزینه آن بسیار بالا است. بنابراین از این می گذرد و از مقاله های ISI هم می گذرد و عملاً به همین شرایط موجود تن می دهد بنابراین خط قرمز هایی هست که این خط قرمز ها در ایران باید رعایت شود و هر چقدر هم که بگویند شما برای منتشر کردن مجلات محدودیتی ندارید همین الان از وزارت علوم یک گروه محقق بیابند و ببینند وضعیت مجلات علمی پژوهشی فعلی در داخل کشور در حوزه علوم انسانی چطور است؟ آنها با چه گرفتاری ها و مشکلاتی روبه رو هستند. اینها را برطرف کنند تا ما بتوانیم مجلات داخلی مان را به سطح ISI برسانیم. ولی تا زمانی که به این نرسیدیم هر نوع الزام و اجباری در ISI جز در حیطه علوم انسانی بدبینی و یاس و سرخوردگی چیزی ندارد.

رویکرد وزارت علوم به اینکه مجلات ISI وسیله ای است برای ارتقای اعضای هیات علمی تبعات بسیار منفی ای تاکنون داشته است. قبل از ISI بحث این بود که برای ارتقای اعضای هیات علمی حتماً باید فرد دارای چند مقاله در مجلات علمی - پژوهشی داخلی باشد. الان یک گروه روی این کار تحقیق کرده اند و دیده اند که خود همین استانداردها گذاری که وزارت علوم قبلاً انجام داده بود، چه فساد را در نشریات علمی - پژوهشی ایجاد کرده است. و مجلات علمی - پژوهشی که بایستی بیشترین مخاطب را داشته باشند و پذیرفته ترین مجلات باشند و تیراژ آن بیشترین باشد عکس این اتفاق برای شان افتاده است. ما الان مجلاتی داریم که علمی - پژوهشی نیستند ولی میزان تأثیر آنها در علوم انسانی به مراتب بیشتر از مجلات علمی است.

*مجلات علمی - پژوهشی وارد یک بازی قدرتی شدند که سردبیران ناچارند مقاله بقیه را چاپ کنند. دقیقاً. کسی تحقیق کرده بود که بیش از ۶۰ درصد مقالات علمی - پژوهشی مال اعضای هیات مدیره و تحریریه است. یعنی کسانی که خودشان در مجله برای داوری نشسته اند مقالاتی را که می آید رد می کنند و نوشته های خود را کار می کنند این نظر من نیست چیزی است که روی آن کار کرده اند. حتی اگر رد هم نکنند و سوغیتی هم نداشته باشند این قدر این بازی پیچیده است که همه را درگیر مقوله اعمال قدرت می کند. اگر مطلب کسی را تایید کنند به این خاطر است که آن فرد ارتقا بگیرد و اگر تایید نکنند متوجه این هستند که مانع از ارتقای آن فرد شده اند. حتی اگر نیت سویی هم نداشته باشند عملاً چون وارد این درگیری می شوند از خیر آن می گذرند.

دقیقاً. یک ابزار برای فساد در حوزه علم شده، نه باعث ارتقا. یعنی این کاری که وزارت علوم به عنوان استاندارد برای ارتقا کرده نه تنها به ارتقای این جملات نینجامیده بلکه موجب فساد در حوزه علمی شده است. این مجلات علمی - پژوهشی ابزار سوءاستفاده شده اند و تهی از محتوا هستند، تیراژ محدود است که اکثراً باقی می ماند و خریدار ندارد. چون سعی کرده اند در چارچوب ساختار باشد. چون وزارت علوم گفته است ساختار درست باشد به محتوا کاری ندارد. اینها باعث شده که این مجلات با کمترین استقبال از سوی دانشجویان و اعضای هیات علمی روبه رو شود.

اینها نظرشخصی من نیست. اینها نتیجه سخنان اعضای هیات علمی و گروه ها و... است. این تجربه ای است که وزارت علوم قبلاً داشته حالا آمده ISI را به عنوان یک معیار برای ارتقا قرار داده است. نتیجه اش این است که برخی از اعضای هیات علمی عطا را به لقا بخشیده اند و گفته اند که ما به دنبال ارتقا نیستیم. چون با آن مشکلاتی که اشاره کردم روبه رو هستند. یکی از اعضای خود وزارت علوم اخیراً گفته است که چه فساد هایی که در همین مقالات ISI خارجی وجود ندارد. تقلب ها و چیز هایی که یک فرد یک چیز را در چند جا به صورت های مختلف چاپ کند. خود کسانی که وضع کننده این معیار بودند الان به نتیجه رسیدند که اگر ساختار ها فراهم نباشد و زمینه مساعد نباشد اجبار کردن بیجا موجب فساد می شود و عملاً هم این اتفاق افتاده. به طور کلی هر نوع اعمال نظارتی بدون توجه به ساختار ها و زمینه های اساسی نه تنها موجب ارتقای علم نمی شود بلکه موجب تخریب علم می شود. بنابراین وزارت علوم تصمیم گرفت معیار برای ارتقای ISI نیست بلکه کل پرونده و محتوای کاری که می کند به رای هیات داوران گذاشته شود کاری که الان در خیلی از کشور ها انجام می شود. الان بحث میزان تاثیر گذاری نیست بلکه این است که به صورت صوری این فرد چند کار صوری انجام بدهد. محتوا مدنظر نیست. ما الان اعضای هیات علمی داریم که درجه استادی گرفتند ولی اعضای هیات علمی آن دانشکده او را به عنوان یک استادیار هم قبول ندارند. نکته آخر هم این است که دانشگاه های ما بر محور آموزش استوار است نه بر محور پژوهش. با این جریان کمی ورود دانشجویان به دانشگاه ها عملاً اساتید ما عمده وقت و زندگی شان صرف آموزش می شود که این خودش اختلال ایجاد می کند. چطور از استادی که بیشترین وقت خودش را برای آموزش گذاشته و کار های خوبی هم انجام داده و کتاب های خوبی نوشته انتظار دارید که به پژوهش برسد.

*براساس قانونی که وزارت علوم گذاشته هر فردی که استخدام می شود، برای اینکه استخدامش قطعی شود دو سال فرصت دارد تا مقاله ای بنویسد که در ISI ثبت شده باشد. استادیار و دانشیار هم هر کدام برای ارتقا باید مقاله در ISI داشته باشند. داشتن چنین مقاله ای لازمه اش این است شما مقاله تان را در مجله ای خارجی چاپ کنید. برای اینکه در هر مجله ای شما مقاله چاپ کنید نیاز به یکسری روابط است. اما می دانیم که وزارت علوم تأکیدش بر این بوده که ما در ایران تا مقطع دکترا را پوشش دهیم. خوب کسی که در ایران لیسانس و فوق لیسانس گرفته، در ایران هم دکترا گرفته و در عمرش هم با استاد خارجی مواجه نشده، چطور در عرض دو سالی که به صورت پیمانی استخدام شده و تدریس می کند، مقاله در ISI چاپ کند. او در ایران درس خوانده و فقط فارسی هم درس خوانده است. علاوه بر این، کسی که در مرتبه «استادی» است در نهایت بروز توانایی ها و فعالیت های خود است و بیشترین میزان روابط را دارد و اغلب استاد ها هم خارج از کشور درس خوانده اند. خوب حالا من نمی دانم چرا این افراد (یعنی کسانی که رتبه استادی دارند) دیگر نباید مقاله ISI یا جای دیگر منتشر کنند؟ ما نمونه هایی داریم که در سنین جوانی به رتبه استادی می رسند و در خارج از کشور هم تدریس کرده اند و روابطی هم دارند که می شود توقع داشت مقاله در ISI بنویسد. آنها هیچ وظیفه ای به عهده ندارند ولی دانشجوی دکتری پارسال که امسال عضو هیات علمی شده اگر تا یک سال دیگر مقاله علمی ننویسد قراردادش لغو می شود.

این در واقع اصطلاح معروف یک بام و دو هوا است. ما بعد از انقلاب بعد از اینکه دانشگاه ها باز شد تلاش کردیم که استقلال فرهنگی خودمان را هم حفظ کنیم بنابراین یکی از چیز هایی که براساس این سیاستگزاری اتخاذ کردیم این بود که تحصیلات تکمیلی را در کشور خودمان افزایش دادیم. فوق لیسانس و دکترا را هر روز تاسیس کردیم و شورای عالی هر روز یک دوره آن را تاسیس کرد. این تا حدی با بحث استقلال علمی و فرهنگی در ارتباط بود. اما مشکلی که به وجود می آید، این است که وقتی ما ارتباط خودمان را با دنیای خارج به حداقل می رسانیم، به همان میزان هم بایستی تاوان آن را بپردازیم. قبلاً دانشجویانی داشتیم که تحصیل کرده خارج بودند. بنابراین این ارتباط با نهاد های بیرون از کشور را داشتند. به راحتی می توانستند با خاستگاه های اولیه خودشان ارتباط داشته باشند و ارتباط علمی وجود داشت و الان با این سیاستگزاری ما پیوسته دانشجویان تحصیلات تکمیلی مان آن پایه ها را ندارند. بنابراین این سیاستگزاری است که برای استقلال علمی کردیم ولی از آن طرف از همه این افرادی که با این سیاست تولید کردیم می خواهیم که با جهان خارج ارتباط داشته باشند. الان در حوزه های علمی همچنان آن نوع ارتباطات رو دررو و شخصی وجود دارد. در حوزه چاپ مقاله هم همین طور است. کسانی که خارج از این سیاست عمل نکردند و خارج از کشور تحصیل کردند امروز به خاطر همان تعاملات است که گروهی را که برقرار کردند بهتر می توانند این سیاستگزاری وزارت علوم را جواب بدهند. کسانی که براساس آن سیاست قبلی که تولید دانشجویان تحصیلات تکمیلی در داخل کشور بوده این ارتباط را نمی توانند داشته باشند. سیاستگزاری اول، حداقل ارتباط با جهان خارج است و سیاستگزاری دوم حداقل ارتباط با خارج است. چطور می شود این دوتا پارادوکس را حل کرد.

متأسفانه این خودش نشان دهنده عدم کفایت سیاستگزاران کشور در حوزه مسائل علمی است. چون ما می دانیم که این سیاست ها باید هم جهت باشند. انتظار ما از وزارت علوم و دستگاه های سیاستگزار علمی در وهله اول این بود که به ارتقای نشریات داخلی اهتمام می ورزیدند و آنها را از این وضعیت روزمرگی و این فساد که در آن هست رها می کردند و کمک می کردند که بتوانند موقعیت ISI را پیدا کنند. آن موقع این سیاست تأکید روی مجلات داخلی و ISI می توانست هم جهت با آن سیاست قبلی تولید دانشجویان تحصیلات تکمیلی در داخل کشور باشد اما چون سیاست قبلی و سیاست جدید در راستای یکدیگر نیستند برای همین همدیگر را دفع می کنند و نتیجه آن طور که مدنظر مسئولان فرهنگ و وزارت علوم است تحقق پیدا نمی کند.

*امیدوار هستید که انجمن جامعه شناسی دست کم در رشته جامعه شناسی بتواند این مسئله را تا حدی اصلاح کند؟

ما از سال گذشته ارتقای مجله جامعه شناسی ایران را که یکی از منظم ترین و نسبتاً نظام یافته ترین مجله علمی ویژه داخل کشور است را به سطح ISI ارتقا بدهیم. حرکتی را شروع کردیم و با مشکلات و موانع روبه رو هستیم ولی با کمک و یاری گرفتن از دستگاه های مثل وزارت علوم و ارشاد این موانع را می توانیم برطرف کنیم. تعداد مقالاتی که برای مجله می آید خوب است حتی اگر چه با رویکردی که الان هست ما ناچار هستیم برای تبدیل به ISI آن ساختار را حفظ کنیم. بعد از اینکه این تبدیل انجام شد آن زمان روی جنبه های دیگر هم تأکید کنیم. بنابراین کمیته ای برای این کار در نظر گرفته شده و کم کم مجله را روزآمد می کنیم.

*در مورد قانونی هم که اساتید باید مقاله ISI بنویسند فکر می کنید انجمن جامعه شناسی می تواند علیه این قانون اقدام عملی انجام بدهد؟

وزارت علوم ظرف سال گذشته متوجه شد این قاعده ای که گذاشته قاعده درستی نبوده بنابراین در چندبار اعلام نظر به نحوی اختیارات را به دانشگاه ها داده است. ولی متأسفانه هیات امنای برخی دانشگاه ها با توجه به ترکیب هیات مدیره اش همچنان روی همان رای قبلی وزارت علوم هستند و نتیجه این شده که الان این سیاست وزارت علوم به صورت متناقضی عمل می شود. برخی از دانشگاه ها این قاعده را در نظر نمی گیرند و برخی از دانشگاه ها هنوز مقاومت می کنند. دانشگاه تهران یکی از دانشگاه هایی است که روی این قضیه مقاومت کرده و به نظر من نسبت به این قضیه اعتراض های بسیار جدی وجود دارد. فکر نمی کنم دانشگاه بتواند این کار را ادامه بدهد چون نواقص ساختاری دارد بنابراین دیر یا زود با یک نوع جریان معکوس روبه رو می شود. دانشگاه تهران متوجه خواهد شد که عملاً این نوع سیاست در مورد علوم انسانی جواب نمی دهد و موجب فسادها و مسائلی از این دست می شود. من فقط این فرصت را مغتنم می دانم که اعتراض اعضای هیات علمی دانشگاه تهران را به مدیریت آن دانشگاه ابلاغ کنم. در واقع این کار آنها جز سرخوردگی و فساد چیز دیگری را در بر نخواهد داشت.